

بررسی تجربه زیسته انتقال ارزش‌های دینی از مادران به دختران نوجوان (مورد مطالعه: شهر دلیجان)

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۵

رحیمه قنبری*

چکیده

خانواده اولین نهاد اجتماعی است که فرزندان را با ارزش‌های اجتماعی آشنا می‌کند. یکی از موضوعات مهم اجتماعی در جامعه اسلامی، انتقال ارزش‌های دینی از مادران به دختران در محیط خانواده است. انتقال باورها و ارزش‌ها به فرزندان توسط والدین، از چگونگی تعامل و ارتباط آنان با فرزندان شکل می‌گیرد. با توجه به الگوگیری فرزندان از والدین و به‌ویژه جایگاه محوری مادران در خانواده، مادران نقش به‌سزایی در انتقال ارزش‌های دینی به دختران خود دارند. هدف این تحقیق گردآوری اطلاعات موردنیاز برای دستیابی به یافته‌هایی است که بتوان بر اساس آن‌ها راهکارهایی واقع‌نگرانه جهت تقویت انتقال ارزش‌های دینی مادران به دختران ارائه کرد. برای تأمین این هدف، تحقیق حاضر با روش پدیدارشناسی به بررسی نقش مادران در انتقال ارزش‌های دینی به دختران نوجوان در شهر دلیجان پرداخته و بر آن است تا روایتی توصیفی از معنا و ماهیت تجربه زیسته مادران دلیجانی از چگونگی انتقال ارزش‌های دینی به دختران نوجوان خود ارائه کند.

داده‌های موردنیاز این تحقیق از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۳۱ مادر و دختر نوجوان به‌دست‌آمده است. این مادران و دختران در موقعیت‌های متفاوت اجتماعی قرار داشتند و تجربه زیسته خود نسبت به زندگی با نوجوان و اینکه چه چیزهایی را ارزش می‌دانند و چه تلاش‌هایی در انتقال این ارزش‌ها به نوجوان خود داشته‌اند را بیان کردند. بر اساس یافته‌های تحقیق، نوع عملکرد والدین مخصوصاً مادران و تقید آن‌ها به ارزش‌های دینی و نیز درک شرایط دوران نوجوانی و تعامل خوب و سازنده مادر با نوجوان دختر و همچنین شناخت مسیر حرکت نوجوان، نقشی تعیین‌کننده سیر تربیتی و انتقال ارزش‌های دینی به او دارد.

واژه‌های کلیدی: تجربه زیسته، پدیدارشناسی، مادران، دختران نوجوان، انتقال ارزش‌ها.

بیان مسأله

مسأله تعلیم و تربیت، یکی از مسائل بنیادین زندگی اجتماعی انسان است که همواره در زندگی بشر تأثیر بسزایی داشته است. افزون بر آن، انتقال صحیح باورها و ارزش‌ها به نسل جدید، همواره یکی از دغدغه‌های فکری جوامع انسانی بوده است. انتقال باورها و ارزش‌ها به فرزندان توسط والدین، از چگونگی تعامل و ارتباط آنان با فرزندان تأثیر می‌پذیرد. تربیت، بیش از هر نهاد دیگر، با خانواده برخورد دارد. در فرهنگ اسلامی، خانواده نخستین محلی است که انسان در آن با ارزش‌ها و اخلاقیات دینی آشنا می‌شود. اختصاص حداقل ۱۵۰ آیه قرآن کریم و احادیث متعدد در این باره، نشان از تأکید دین اسلام بر نهاد خانواده دارد. ارزش‌های دینی، از طریق پدر و مادر و سایر افراد بزرگسال خانواده به کودکان و نوجوانان انتقال می‌یابد. در قرآن کریم به بحث خانواده و نقش تربیتی آن اشاره شده است؛ «و سرزمین پاکیزه، گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید، اما سرزمین‌های بدطینت [و شوره‌زار] جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش از آن نمی‌روید، این‌گونه، آیات را برای آن‌ها که شکرگزارند بیان می‌کنیم» (اعراف: ۵۸)^۱ شاید بتوان یکی از مصادیق سرزمین پاک را که محصول پاک می‌دهد، خانواده پاک دانست. (قرائنی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۸۸)

خانواده صالح و با ایمان، بسترساز تربیت فرزندان پایبند به اصول و ارزش‌های دینی می‌شود و نتیجه آن نیز داشتن جامعه‌ای صالح خواهد بود؛ زیرا توقع یک جامعه صالح بدون اصلاح نظام خانواده، امری خلاف

۱. «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثُ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكْدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ».

حقیقت است؛ بنابراین، خانواده، نهادی ایده‌آل برای تمرین مهر و عاطفه، انس و یگانگی، اخلاق و انسانیت است و در این میان، نقش مادر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مادر، بارزترین منشأ آسایش و عالی‌ترین منبع سعادت خانواده است. نقش مادر در ایجاد فضایی برای نهادینه کردن ارزش‌های دینی در بین فرزندان بسیار اساسی است. نقش مادر در تربیت فرزندان اهمیت، حساسیت و ظرافت‌های ویژه‌ای دارد و در آینده فرزندان تعیین‌کننده است. از این‌رو، اگر شخصیت رشد یافته و مطلوب و محبوب مادر در دوره‌های گوناگون رشد و تحول کودکان و نوجوانان، آمیزه‌ای از عطوفت، محبت، منطق و استواری باشد، فرایند تربیت ثمر بخش‌تر خواهد بود؛ و هر چه کیفیت این انتقال بهتر باشد، پیشگیری از مبتلا شدن به آسیب‌ها به‌ویژه در دوران نوجوانی بیشتر است.

نقش مادر برای برقراری ارتباط درست و سالم با فرزندان نوجوان، به‌ویژه دختران، نیازمند آگاهی و مهارت است. رابطه مادر و دختر هم‌زمان با رشد دختر دگرگون می‌شود. اختلاف نظر دختران با مادر به‌خاطر تغییرات دوران بلوغ بیشتر می‌شود. بسیاری از مادرهایی که حتی قبل از بلوغ رابطه خوبی با دختر خود داشته‌اند، در دوران نوجوانی دخترشان با مشکل روبه‌رو می‌شوند.

بحران هویت، اصلی‌ترین کشمکشی است که نوجوان در درون خود احساس می‌کند؛ او درصدد کشف معناهای جدید برای زندگی خود است و به دنبال آن مادر هم تحت تأثیر این شرایط قرار می‌گیرد و در این موقعیت، حساسیت‌های مراقبت از دختر نوجوان افزایش می‌یابد. نوجوان، خواهان

آزادی‌های بیشتر است و کنترل و نظارت افراطی مادر می‌تواند با لجبازی و سرکشی او همراه شود. نیاز به حریم خصوصی و دست‌یافتن به یک هویت مستقل و تفکر انتزاعی در دوران نوجوانی، زمینه را برای بروز چالش در تعامل میان مادران و دختران نوجوان آماده می‌کند. دنیای نابالغ و خام نوجوان، با دنیای مادر بالغ و با تجربه در تضاد و تقابل قرار می‌گیرد و این تضاد ناشی از درک نوجوان از خودش و درک مادر از اوست که در بیشتر موارد، تنش در رابطه مادر و فرزند را به وجود می‌آورد.

بر اساس زندگی امروزی، نقش مادر نسبت به دختر نوجوان، نقش حامی عاطفی و تسهیل‌گری ارتباط است و نظارت مادرانه‌اش باید با احترام به حریم شخصی دختر نوجوان باشد، به او احساس امنیت دهد و خطاهای او را بپذیرد و او را در مسیر ساختن هویتش به شکلی مسئولانه و مؤثر همراهی کند. آنچه امروز با مطالعه رفتارهای دختران نوجوان به دست می‌آید، دنیایی با سؤال‌های مبهم و بی‌پاسخ است که باید از طرف اطرافیان خصوصاً مادر به‌گونه‌ای مدیریت شود که گذر از آن با کمترین آسیب به شخصیت نوجوان امکان‌پذیر شود.

مهارت‌افزایی و ارتقاء آگاهی مادر، نقص ساختار فکری او نسبت به جایگاه مادری و هویت و وظایفش را ترمیم می‌کند تا بتواند با استفاده از روش‌های رفتاری مناسب، ضمن برقراری تعامل سازنده با دختر نوجوانش، باعث کاهش آسیب‌های اجتماعی او شده و در انتقال ارزش‌های دینی به نوجوانش موفق‌تر عمل کند. برای دستیابی به این مهم باید تصویری واقع‌نگر از ذهنیت مادران و نیز تجربه زیسته آنان از تعامل با دختران نوجوانشان به دست آورد. پژوهش حاضر بر آن است تا تجربه زیسته

مادران در تعامل با دختران نوجوانشان در انتقال ارزش‌های دینی را از منظری پدیدارشناسانه در شهر دلیجان را مورد واکاوی و تبیین قرار دهد. شهرستان دلیجان یکی از شهرستان‌های استان مرکزی است. این شهرستان در استان مرکزی از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است و همین امر زمینه را برای تغییرات اجتماعی و فرهنگی در آن شهر فراهم آورده است. ناگفته نماند که علت انتخاب شهر دلیجان به‌عنوان مورد مطالعه، حضور محقق در این شهر و فعالیت فرهنگی به‌عنوان مبلغ دینی و تعامل با مادران و دختران نوجوان در مراکز فرهنگی، از جمله مدارس، هیئات و مساجد است. نگارنده، با موقعیت‌های مختلف مادران و دختران شهر دلیجان مواجه بوده و شرایط میدانی مناسب برای معاشرت و گفتگوی عمیق با مادران و دختران این شهر را داشته و از همین شرایط نیز برای شناسایی نمونه‌های آماری مناسب و جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز تحقیق استفاده کرده است. انجام این پژوهش می‌تواند محقق را با فضای تعاملی مادران و دختران نوجوان شهر دلیجان و فرایند انتقال ارزش‌های دینی از مادران به دختران آشنا و بستر علمی مناسبی را جهت افزایش اثربخشی فعالیت‌های فرهنگی در این شهر فراهم آورد.

سؤال اصلی

تجربه زیسته مادران شهر دلیجان در تعامل با دختران نوجوان خود در انتقال ارزش‌های دینی چگونه است؟

سؤال‌های فرعی

نکته: همه سؤالات فرعی ناظر به تجربه زیسته مادران و دختران دلیجانی است:

۱. نحوه تعامل مادران با دختران نوجوان در انتقال ارزش‌های دینی چگونه است؟
۲. نحوه تعامل مادران با دختر نوجوان چه نقشی در انتقال ارزش‌های دینی به نوجوانان دارد؟
۳. مادران، دختران نوجوان خود را چگونه توصیف می‌کنند؟
۴. توصیف مادران از دختران خود چه میزان متناسب با اقتضائات و ویژگی‌های دوران نوجوانی و یا متناسب با تحولات عصری است؟
۵. مادران چه تجربه‌هایی از تعامل با دختران نوجوان خود دارند؟
۶. دختران، مادران خود را چگونه توصیف و ارزیابی می‌کنند؟
۷. دختران، نسبت به شناخت و توجه مادران در خصوص نیازها و ویژگی‌های دوران نوجوانی، چه دیدگاهی دارند؟
۸. مادران و دختران توصیف‌های خود از همدیگر را از چه منابعی به دست می‌آورند؟
۹. بر اساس یافته‌های این پژوهش چه راهکارهایی برای همدلانه و سازنده شدن تعامل میان مادران و دختران نوجوانشان و کارآمد شدن انتقال ارزش‌ها می‌توان ارائه کرد؟

اهمیت و ضرورت

خانواده، یک نهاد مهم اجتماعی است که همانند آینه‌ای عناصر اصلی جامعه را در خود دارد و آسیب‌های درون آن نیز انعکاسی از نابسامانی‌های

اجتماعی است. از سوی دیگر، خانواده و به‌ویژه زن در جایگاه مادر، از مهم‌ترین عوامل مؤثر در سلامت خانواده است؛ و بدیهی است که جامعه‌ای می‌تواند به سلامت برسد که از خانواده‌های سالم برخوردار باشد.

آنچه در خانواده اهمیت دارد، شیوه برخورد اعضای خانواده به‌ویژه پدر و مادر با مسائل خانواده است. بر اساس یافته‌های پژوهشی الگوهای کنش متقابل اعضای خانواده روابط معناداری با آسیب‌های نوجوانان دارد. نتایج مطالعات بسیاری نشان می‌دهد که موفقیت خانواده و رابطه مادر - فرزندی در ارتباطات اولیه با نوجوانان، آنان را در حل مسائل و چالش‌های بعدی در جامعه تواناتر می‌کند.

تربیت با امور زیادی چون روش تربیت، محتوای تربیتی و منابع تربیتی سروکار دارد. ارزش‌های دینی، مهم‌ترین محتوا و برنامه نظام تعلیم و تربیت را شکل می‌دهند که خانواده، با آنها رابطه مستقیم دارد و از آنها متأثر است. (رستمی نسب؛ شبستری نژاد راوری، ۱۳۹۴، صص ۲۷-۳۸) قرآن کریم در مورد نقش الگو بودن والدین می‌فرماید:

«کسانی که ایمان آوردند و فرزندان‌شان به پیروی از آنان ایمان اختیار کردند، فرزندان‌شان را [در بهشت] به آنان ملحق می‌کنیم؛ و از [پاداش] عملشان چیزی نمی‌کاهیم؛ و هر کس در گرو اعمال خویش است.» (طور: ۲۱)^۱

ارزش‌ها، در هر جامعه‌ای، اعتقاد یا فلسفه کلی آن جامعه را به دست می‌دهد. نهاد خانواده این ارزش‌ها را می‌تواند به‌طور صحیح انتقال دهد. در این راستا، تربیت دینی، باورها و اعتقادات را جهت‌دهی می‌کند تا با تأثیر بر

۱. «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ».

گفتار و رفتار افراد خانواده به‌ویژه فرزندان نوجوان، اهداف الهی تربیتی، شکل گیرد. در این مسیر، این‌که چقدر مادر می‌تواند تعاملی سازنده و مؤثر با نوجوانش داشته باشد و در یک فضای تربیتی مطلوب ارزش‌های دینی را به او انتقال دهد و در کاهش آسیب‌های اجتماعی و روحی و روانی دوران پرخطر نوجوانی کمک او باشد، لازمه‌اش فهم چگونگی فضای ذهنی و واقعی نوجوان و نیز شناخت مهارت‌های موجود یا مورد نیاز هر کدام از طرفین تعامل است.

از آنجا که پژوهش حاضر در صدد فهم و تفسیر پدیدارشناسانه تجربه زیسته و چگونگی تعامل مادران و دختران در موضوع انتقال ارزش‌های دینی است، یافته‌های آن می‌تواند افزون بر ترسیم تصویری عمیق و واقع‌نگرانه از این تعامل، زمینه را برای ارائه راهکارهای برآمده از واقعیت فراهم نماید.

پیشینه پژوهش

پیرامون چگونگی رفتار با نوجوان و تعامل یا تعارض مادر با دختر نوجوان، کتاب‌ها و مقالاتی نوشته شده است، اما بررسی نگارنده نشان می‌دهد که در هیچ‌کدام از این پژوهش‌ها، به‌صورت مستقل با نگاه پدیدارشناسانه به تجربه زیسته مادران و دختران نوجوان پرداخته نشده است. با وجود این، پژوهش‌هایی به‌طور کلی انجام شده که بعضی از مطالب آن‌ها نزدیک به پژوهش حاضر است:

۱. «نقش خانواده در تربیت دینی»، نویسنده: غلامرضا مدبر عزیزی، ماهنامه تربیت، خرداد ۱۳۷۵، شماره ۱۰۹: در این مقاله، ضمن اشاره به اهمیت نقش خانواده در تربیت، مواردی برای تربیت صحیح بیان شده است

که باید مورد توجه والدین قرار گیرند؛ از جمله: ۱. پاک‌شدن و به حقیقت رسیدن پدر و مادر؛ ۲. کوشش در انعقاد نطفه پاک؛ ۳. تأثیر نام نیکو در تربیت دینی؛ ۴. نقش مادر در دوران شیرخوارگی.

۲. «نقش خانواده در تربیت فرزندان»، نویسنده: حسینعلی کوهستانی، ماهنامه پیوند، آذر ۱۳۷۱، شماره ۱۵۸: در این مقاله، به عوامل تربیت که خانواده مهم‌ترین آنهاست، پرداخته شده و رعایت اصولی اخلاقی برای احراز این نقش، از جانب والدین ضروری دانسته شده است. از جمله اصول اخلاقی مؤثر در تربیت فرزندان، می‌توان به پرورش اعتماد به نفس فرزندان و جلب اعتماد آن‌ها اشاره کرد.

۳. «تفاوت نسلی میان مادران و دختران»، نویسندگان: عذرا جباراللهی، مینو صدیقی کسمایی، نشریه: برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۳۹۲، شماره ۱۴: در این مقاله، عوامل مؤثر بر تفاوت نگرش مادر و دختر نسبت به ارزش‌های مربوط به خانواده با روش کمی شناسایی و تبیین شده است. این عوامل عبارت‌اند از تفاوت سنی مادر و دختر، تفاوت سطح تحصیلات آن‌ها، تفاوت در میزان استفاده از رسانه‌های جمعی اینترنت و ماهواره و تفاوت در میزان دین‌داری. جامعه آماری این پژوهش، دختران دانشجویی دانشکده‌های گوناگون دانشگاه علامه طباطبایی و مادرانشان بودند. از میان چهار متغیر بررسی شده، تنها تفاوت در میزان دین‌داری مادر و دختر رابطه معناداری را نشان داده است، به این معنا که هر چه تفاوت در میزان دین‌داری مادر و دختر بیشتر باشد، تفاوت نگرش آن‌ها به ارزش‌های مربوط به خانواده نیز افزایش می‌یابد.

۴. «انتقال ارزش‌های پدر و مادر به فرزندان»، نویسنده: عبدالرضا ضرابی، مجموعه مقالات تربیتی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸: به این مسأله پرداخته شده است که آیا ارتباط خوب والدین با فرزند، به آن میزان نقش دارد که والدین بتوانند ارزش‌های دینی خود را به فرزندانشان تحمیل کنند؟ نظریاتی که عموماً گسترش یافته‌اند، بر عواملی خارج از حوزه خانواده‌ای متمرکز شده‌اند که نوجوانان در آن نشو و نما کرده‌اند؛ اما تحقیقات جدید این یافته‌های اولیه را تأیید نمی‌کنند. به نظر می‌رسد در صورت مهار دیگر عوامل، قابلیت جابه‌جایی تربیتی بین نسل‌ها، تأثیری منفی بر احتمال چرخش یا بی‌اعتمادی دینی داشته باشد. اهداف این تحقیق عبارت‌اند از: الف) فراهم آوردن شواهدی که تأثیر متعادل کیفیت تعامل خانواده را بر انتقال بین نسلی ارزش‌ها به‌طور کلی مورد توجه قرار دهد؛ ب) در اختیار گذاشتن آن دسته از شواهد تجربی مربوط به «اختلاف داده‌ها» که توسط شرکات (۱۹۹۱ م) مشخص شده و تأثیرات متغیرهای خانواده را بر اعتقادات مذهبی نوجوانان مورد بررسی قرار می‌دهد.

۵. «فقدان ایمان؛ تأثیر ارتباط فرزند با مادر در انتقال ارزش‌های اخلاقی»، نویسندگان: تون دلبلیو، تاريس، گان. آر. سمین، مترجم: هادی حسین‌خانی، مجموعه مقالات تربیتی: این مقاله، پابندی و تعهد دینی نوجوانان را در جایگاه نتیجه کیفیت تعامل مادر با فرزند و تعهد دینی مادران بررسی می‌کند. با استفاده از داده‌های ۲۲۳ مادر و نوجوان انگلیسی، با تحلیل واگشت (رگرسیون) منطقی و واگشت متداول به بوته آزمایش گذاشته شد. نتایجی که نشان می‌دادند مادران در نقش عامل اخلاقی خویش چگونه می‌توانند از ارتباط خوب مادر و فرزند بهره‌مند شوند تا حد زیادی فرضیات را تأیید کردند.

۶. «تربیت با عشق و منطق»، نویسندگان: جیم فی، فاستر کلاین، مترجم: سمیه موحدی فرد: این کتاب درصدد ارائه تکنیک‌هایی برای برخورد صحیح والدین با کودکان در ساحت «تعلیم و تربیت» است. کتاب حاضر از دو بخش تشکیل شده است. در بخش نخست، مفاهیم کلی تربیت، استحکام نگرش فرد نسبت به خود، جداسازی مشکلات، حذف عصبانیت و جدال، کاربرد جملات عاقلانه و قابل اجرا، انتخاب و ابراز همدردی، مورد بحث قرار گرفته است. به اعتقاد نویسنده، این موارد، زیربنای تربیت مؤثر هستند. در بخش دوم، نگارنده وارد جنبه عملی بحث شده است. وی درصدد بوده تا چهل و هشت نکته عشق و منطق که راهکارهایی برای مقابله با مشکلاتی که والدین در دوازده سال یا طی سال‌های دیگر اول زندگی کودک با آن مواجه هستند را ارائه دهد.

۷. «مادر و دختر»، نویسندگان: ملیسا هریسون، هری‌اچ. هریسون، مترجمان: الهام آرام نیا، سید شمس‌الدین حسینی: در این کتاب، راهکارهایی ساده برای تربیت دختران ارائه شده است و ارتباط مادر و دختر را بیان می‌کند. از دید نویسندگان، این مادر است که به دخترش می‌آموزد چه احساسی راجع به خودش داشته باشد، چگونه در مقابل فشارهای زندگی مقاوم باشد و روش یک زندگی لذت‌بخش چیست. او رفتار یک خانم با وقار را به دخترش یاد می‌دهد، او یاد می‌گیرد چه وقت به جذابیت خود اعتماد کند، چگونه لباس و ظاهری آراسته داشته باشد، خداوند را در نظر داشته باشد و بتواند روزی مادر شود و از دخترش مراقبت کند.

۸. «مادران سمی و آسیب‌های وارد به دختران»، نویسنده: سوزان فوروارد: در این کتاب، به راهنمایی دلسوزانه‌ای برای معرفی مادران سمی،

غلبه بر زخم‌های ناشی از رفتار آن‌ها، آسیب‌های وارد به دختران و ارائه راهکارهایی در بازسازی این رابطه، مطرح شده است. این کتاب، به مخاطب یاد می‌دهد چگونه درک عمیق و صحیحی از عشق والدین و هر فرد دیگری داشته باشید و از شرّ تأثیرات مخرب‌ی که ارتباطات غلط بجا می‌گذارد، در امان بمانید. نویسنده کتاب، طی سال‌ها تحقیق بر روی زنانی که در معرض سوءاستفاده، بی‌توجهی و کنترل بیش از حد بودند، متوجه شد که بسیاری از مشکلات روانی که دارند از همین عوامل نشئت می‌گیرد. او در این کتاب، با بررسی انواع مختلف مادران سمی مثل مادر خود شیفته، مادر رقابت‌پذیر، مادر بیش‌ازحد درگیر، مادر کنترل‌گر، مادرانی که به مادری نیاز دارند و مادرانی که از دختران خود سوءاستفاده می‌کنند، تکنیک‌های مؤثری برای مقابله با آن‌ها ارائه می‌کند.

این‌ها نمونه‌هایی از پیشینه پژوهش حاضر بوده است که هر کدام تلاش‌هایی را در زمینه موضوع و مسأله مورد نظر خود انجام داده‌اند. نگارنده، در پژوهش پیش‌رو، تلاش کرده است که تصویری توصیفی و تفسیری از وضعیت موجود روابط و تعامل مادران و دختران نوجوانشان در انتقال ارزش‌های دینی و چگونگی انتقال این ارزش‌ها را (در شهرستان دلیجان) ترسیم و تبیین نماید. پژوهش حاضر که تجربه زیسته مادران و دختران شهر دلیجان را بررسی کرده است، درصدد ارائه راهکارهایی واقع‌نگر و مناسب برای انتقال ارزش‌های دینی و کارآمد شدن انتقال ارزش‌ها و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی است. یافته‌های این پژوهش می‌تواند بستر پژوهشی درون‌نگرانه و پدیدارشناسانه‌ای را برای امر تربیت دینی در جامعه فراهم کند.

مفهوم‌شناسی

یکی از عناصر مهم در پژوهش، تعریف اصطلاحات و مفاهیم کلیدی آن پژوهش است؛ از این‌رو، شناخت اصطلاحات و مفاهیم، نقش چشمگیری دارد و بدون تبیین مفاهیم نمی‌توان چندان پژوهش موفقی انجام داد؛

پدیدارشناسی

واژه «پدیدارشناسی» معادل کلمه «فنومنولوژی»^۱ و به معنای چیزی نمایان و آشکار است. (عمید، ۱۳۸۹، ص ۲۷۵) پدیدارشناسی، از دو بخش «پدیده» و «شناخت»^۲ تشکیل شده است. از منظر هایدگر، پدیدار به معنای چیزی است که خود را آشکار نشان می‌دهد. (پرتوی، ۱۳۹۲، ص ۴۸)

پدیدارشناسی در اصطلاح، مطالعه تجربه زیسته یا جهان زندگی است و به جهان، آن‌چنان‌که به‌وسیله یک فرد زیسته می‌شود، نه جهان یا واقعیتی که چیزی جدای از انسان باشد، توجه دارد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۵۷)

پدیدارشناسی به‌عنوان نگرشی فلسفی و جامعه‌شناسی و نیز یک الگوی روش‌شناسی، به دنبال دستیابی به فهمی عمیق از پدیده‌ها است که به شناخت پدیده از طریق پی‌بردن به درک افراد از آن پدیده، نائل آید. کار پدیدارشناسی توصیف تجربه‌های زیسته است و به تبیین علی، تعمیم و تفسیرهای انتزاعی نمی‌پردازد. هدف از این توصیف، فهم معناهای ذات اشیاء و رخدادها است که از طریق تجربه‌ها به دست می‌آید؛ لذا یک دانش، رشته یا رهیافت توصیفی دقیق است. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۱، صص ۲۲-۴۱)

1. Phainomenon.

2. logy.

تجربه زیسته

«تجربه زیسته»، یکی از جنبه‌های اصلی اندیشه ویلهلم دیلتای (جامعه‌شناس، روان‌شناس و فیلسوف آلمانی درگذشت ۱۹۱۱م) و دیدگاه او درباره فلسفه حیات است. از دیدگاه او، حیات و زیستن، واقعیتی بیولوژیک و مشترک بین انسان و حیوان نیست، بلکه امری است که بشر، آن را با تمام تنوع و پیچیدگی‌هایی که دارد، تجربه می‌کند. انسان، علاوه بر اینکه می‌تواند حیات خود را تجربه کند و این حیات در اعمال، گفتار و خلاقیت‌های او تجلی نماید، قادر است در تجربه زندگی دیگران نیز سهمی داشته باشد. (واعظی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۷) از نظر دیلتای، آدمیان در هویت بشری مشترک‌اند و تفاوت آن‌ها تنها به ویژگی‌های تاریخی روزگارشان برمی‌گردد. پس هر کسی می‌تواند روزگار زندگی شخص دیگر را برای خود بازسازی کند و به درکی مشابه با او دست یابد.

راهیابی به حیات انسان‌ها از طریق تجربه همدلانه، نوعی بازسازی روان‌شناختی دنیای آن‌ها و تنها راه شناخت تجلیات زندگی آنان است. درک تجلیات حیات انسان، به معنای درک حالات درونی و ذهنی است تا به چیزی که در دسترس حواس نیست، دست یابد. (بابک معین، ۱۳۹۴) تجربه، مفهومی است که در طیفی گسترده از انتزاعی‌ترین تا عینی‌ترین حالت می‌تواند جای گیرد. تجربه، حالتی است درونی در فرد و ناشی از چیزی است که فرد به صورت شخصی با آن مواجه می‌شود و یا در مسیر آن زندگی می‌کند.

باتوجه به آنچه بیان شد، در تعریف «تجربه زیسته» می‌توان گفت: «تجربه بی‌واسطه و حضوری از چیزی؛ تجربه‌ای که در آن بین عالم و معلوم، بین

تجربه‌گر و تجربه‌شونده، اتحاد و هویت برقرار است و در مقابل تجربه دست دوم که با واسطه و حصولی است، قرار می‌گیرد». (پالمر، بی‌تا، صص ۱۳۰-۱۳۹) شاید از همین‌رو، در پژوهش‌های پدیدارشناختی، منظور از تجربه زیسته، یک بازنمایی از تجربه‌ها و انتخاب‌های یک شخص معین است. هدف از این پژوهش‌ها، درک و فهم تجربه‌های زیسته افراد به‌عنوان واقعیت نیست، بلکه تعیین معنای قابل‌درک و فهم آن‌ها است. در واقع، تجربه‌هایی که بدیهی پنداشته شده است، بازبینی می‌شود و معانی جدید و یا مغفول مانده آشکار می‌شود.

در این راستا، هدف نوشتار حاضر فهم زندگی و کشف این نکته است که مردم چگونه معنای زندگی اجتماعی خود را می‌سازند. این هدف زمانی تحقق پیدا می‌کند که تجربه زیسته از دیدگاه مردم مورد مطالعه قرار گیرد. به‌عنوان مثال، از منظر پدیدارشناسی، انتقال ارزش‌های دینی مادران به دختران واجد معناست و فهم آن مستلزم ورود به اذهان مادران است؛ لذا واژه دیگری که نیاز به تبیین مفهوم و معنا دارد، مفهوم مادری است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

مادری

«مادری»، هر چند در نگاه ابتدایی، ذهن را به‌سوی جنس مؤنث سوق می‌دهد که حامل و زاینده فرزند است و مفهومی ساده و محسوس به نظر می‌آورد، اما واکاوی و بررسی آن در میان متون اصیل دینی و علوم اجتماعی، حکایت‌گر وجود دیدگاه‌های متفاوت و در مواردی متضاد است. (رضایی، ۱۳۸۹، صص ۷۵-۹۴) برخی، مادری را با اهمیت‌ترین وظیفه یک زن لحاظ می‌کنند (یزدی، ۱۳۸۸، صص ۱۵۵-۱۵۶) و برخی دیگر، مادری را عامل

انقیاد و فرمان‌برداری زنان توسط مردان می‌دانند. (آبوت، ۱۳۹۳، ص ۱۳۰) البته علت این تفاوت رویکردها آن است که موضوع در مباحث علوم انسانی، انسان است که موجودی «فرهنگی» (پهلوان، ۱۳۸۲، ص ۳۷) و دارای «روح الهی» (حجر: ۲۹)^۱ است. همین ویژگی، مادری انسانی را متمایز از مادری حیوانی می‌کند.

بنابراین، ضروری می‌نماید که انواع رویکردها در حوزه مفهوم «مادری» به صورت خلاصه بیان شود.

مفهوم مادری در دیدگاه سنت محور

مفهوم مادری با رویکرد سنت محور، تنها با توجه به نهاد خانواده و مبتنی بر اهداف تشکیل آن، تبیین و معنا می‌شود. (فرهمند، ۱۳۸۵، صص ۱۴۷-۲۰۴؛ اندرسون، ۱۳۸۵، صص ۵۰-۵۴) در این میان، باروری و تولید نسل نتیجه طبیعی ازدواج و هدف آن است. در این نگاه، زن و مادر دو معنای جدایی‌ناپذیر برای جنس مؤنث به شمار می‌روند که از جهت جنبه‌های طبیعی مانند زایمان، تغذیه و مراقبت از فرزند مانند حیوانات، نگریسته می‌شود و انتخاب، برای مادرشدن معنا ندارد و تنها امور بهداشتی و درمانی مورد توجه قرار می‌گیرد. (طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۲۸) زن در صورت تجرد یا ناباروری، بسان کسی است که فاقد بخش مهمی از هویت زنانگی است و برای جبران این فقدان هویتی یا باید زن مقدس مذهبی شود و یا همسر دیگری برای شوهرش در نظر بگیرد. (عرفان منش، ۱۳۹۲، ص ۴۹)

^۱. «وَنَفَّخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي».

مفهوم مادری در دیدگاه فمینیسم

در رویکرد فمینیسم، با برقراری تقابل بین جنسیت و جنس، مادری را ذیل جنسیت و زن را ذیل جنس قرار می‌دهند؛ لذا هویت زن جدای از مادری تعریف شده است؛ فمینیسم، مادری را ریشه فشار بر زنان می‌داند. (آبوت، بی‌تا، ص ۱۳۰) نویسندگان فمینیست می‌پرسند: چرا بچه‌داری و وظیفه مادران به حساب می‌آید و چرا پدران در امر مراقبت از کودکان مسئولیتی برعهده نمی‌گیرند؟ به گفته آنان، بیشتر وظایف والدین در قبال فرزندان در درون مفهوم «مادری» گنجانده می‌شود و مفهوم «پدری» صرفاً بیانگر یاری و حمایتی کلی است. از این رو، زنانی که از زیر بار مسئولیت مادری شانه خالی می‌کنند، در نهایت باید عذرخواهی یا احساس گناه و سرخوردگی کنند. (بستان (نجفی)، ۱۳۹۸، ص ۱۱۱)

نکته مهم اینکه با توجه به مشارکت دادن والدین در ارتباط با فرزند در خانواده مدرن، بیشتر از مفهوم مادری، واژه «فرزندآوری» مورد توجه قرار می‌گیرد و زن، منهای زحمتهای مادری، همچون ابژه جنسی مطرح می‌شود. در رویکرد فمینیستی، نوعی سیر تحول معنایی مادری تحقق پیدا کرده است که معنای مادری از فداکاری و از خودگذشتگی که در رویکرد سنتی بود، به همدم و راهبر تغییر کرده است. نتیجه چنین تغییر معنایی آن است که پدر نیز در مراقبت از فرزند، سهمیم باشد. (طائب، ۱۳۹۶، صص ۱۵۴-۱۵۷)

مفهوم مادری از نگاه منابع اسلامی

مفهوم مادری در قرآن کریم با دو واژه «أمّ» و «والده» و مشتقات آنها مانند «أمّهات»، «والدات» و «والدی» آمده است. کلمه «أمّ» در لغت به معنای «مادر» (عمید، بی‌تا، ص ۱۷۲)، «اصل هر چیز»، «تربیت دهنده»،

«اصلاح‌کننده» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۵)^۱ و «مرجعی که چیزی یا چیزهایی به آن رجوع می‌کنند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۰) آمده است. «اُمّ» اعم از والده است، چنان‌که «أب» علاوه بر پدر، به معنای عمو، معلّم و پدرزن نیز آمده است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۷۰) و اعم از «والد» است (طباطبایی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۵۹)، «والده»، اسم فاعل برای ولادت است. (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۲۰۳)

مادری در منابع اسلامی، مهم‌ترین نقش یک زن و موجب کمال اوست. خداوند میل فطری در پرورش کودک را در نهاد مادران به ودیعه نهاده و این میل و رغبت در سنین بلوغ آشکار و در دوران حمل به عالی‌ترین مرحله تجلّی خود می‌رسد. آیاتی در قرآن، ویژه حق‌شناسی مادر است که بیانگر گرامیداشت و منزلت والای مادر است؛ (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۱۷۷)

مانند این آیه شریفه: «و ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد [به هنگام بارداری هر روز رنج و ناراحتی تازه‌ای را متحمّل می‌شد] و دوران شیرخوارگی او در دو سال پایان می‌یابد؛ [آری به او توصیه کردم] که برای من و برای پدر و مادرت شکر بجا آور که بازگشت [همه شما] به سوی من است» (لقمان: ۱۴)^۲.

در آیه دیگری، به‌عنوان شرح خدمات مادر، زحمات سی ماهه او را بیان می‌کند که دوران بارداری، زایمان و دوره شیردهی برای مادر با دشواری همراه است. (احقاف: ۱۵)^۳ خدای متعال افتخار بزرگ مادری را به زن ارزانی داشت و لیاقت این وظیفه مهم را به او بخشید که همه پیامبران، امامان و اولیای الهی از دامن زن به‌سوی معبود عروج کردند. (دستی، ۱۳۷۲، ص ۱۴)

۱. «الأم... لكل ما كان أصلاً لوجود شيء أو تربيته أو إصلاحه أو مبدئه أم».

۲. «وَوَضَّيْنَا لِلنَّسَانِ بِوَالِدَيْهِ حَمْلَتَهُ أُمُّهُ وَهَنًا عَلَيَّ وَهْنِي وَفَصَّالَهُ فِي غَامِبِينَ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ».

۳. «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلَهُ وَفَصَّالَهُ ثَلَاثِينَ شَهْرًا».

مادر، کسی است که امر پرورش فرزندان را در دوران حمل و پس از آن بر عهده دارد و در انجام این وظیفه بدون هیچ چشمداشت مادی تلاش می‌کند. از این‌رو، می‌توان گفت که مهم‌ترین کار زن، مادری است و هرگونه فعالیت زن باید با حفظ جنبه مادری او باشد. (نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۸۶، ص ۸۱)

نوجوان و نوجوانی

نوجوانی دوره «بزرگ شدن»، دوره حرکت از «نمو نیافتگی»^۱ کودکی به سوی «نمو یافتگی»^۲ بزرگسالی است. نوجوان، دیگر یک کودک نیست، اما هنوز بزرگسال هم نیست. او در گذار از یک مرحله زندگی به مرحله دیگر به سر می‌برد؛ گذارهای زیست‌شناختی، روان‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی. در تعاریفی که از نوجوانی ارائه شده است، تغییر حالت از کودکی به بزرگسالی با تغییر شرایط جسمی و روانی مشاهده می‌شود.

دوره نوجوانی، همان دوره بلوغ شرعی است. این دوره، آخرین مرحله رشد و تربیت و از مهم‌ترین و حسّاس‌ترین مراحل آن است. روان‌شناسان این مرحله را دوره ولادت ثانوی می‌نامند؛ زیرا با تغییرات کلی در تمام ارگان‌های بدن همراه است. از نظر جامعه‌شناسی این دوره زمینه پذیرش در جمع بزرگسالان را فراهم می‌کند که این خود به دلیل یک سلسله مهارت‌های اجتماعی و فرهنگی صورت می‌گیرد. از نظر زیست‌شناسی نیز این مرحله با بیداری عمل جنسی که از خلال پدیده بلوغ ظاهر می‌شود، همراه است. (طبرسی، ۱۳۹۱، صص ۳۷-۳۸)

1. Immaturity.

2. maturity.

معنای لغوی و اصطلاحی ارزش

کلمه «ارزش»، در لغت، اسم مصدر از «ارزیدن»، به معنای «برازندگی»، «شایستگی» و «قابلیت» آمده است. (دهخدا، ۱۳۳۷، ج ۱) واژه «ارزش»، در موارد مختلف به کار می‌رود؛ مانند ارزش اقتصادی، ارزش هنری، ارزش معرفت‌شناختی، ارزش اجتماعی، ارزش تاریخی، ارزش حقوقی و ارزش اخلاقی. اگر به کاربردهای متنوع این واژه توجه شود، می‌توان جهت مشترکی در همه آن‌ها یافت. این جهت مشترک، در واقع، همان معنای واژه ارزش است.

با توجه به موارد کاربرد این واژه می‌توان گفت: صفات اخلاقی، افعال، نیت‌ها، علم، هنرها، آثار هنری، پول و مانند این‌ها، مصداق‌های امور با ارزش‌اند؛ پس ارزش دارای مصداق‌های گوناگون فراوانی است و به همین دلیل، از جهت ملاک نیز باید همین‌گونه باشد. لذا می‌توان چند ملاک برای آن برشمرد: مطلوبیت، کمال، محبوب بودن، سودمندی و ثمرات مترتب، زیبایی. (معلمی، ۱۳۸۴، ص ۲۲)

منبع ارزش‌ها

ارزش‌ها، منبع وجودشناختی دارند و علت نهایی ارزش‌ها، در علت نهایی هستی ریشه دارد. حتی کسانی که استدلال‌های مابعدالطبیعی را رد می‌کنند، می‌توانند از تاریخ بیاموزند که همه فرهنگ‌ها، ارزش‌های نهایی خود را از مفهوم یا نمادی اساسی مانند خدا، طبیعت و جهان به دست می‌آورند. هر جا که آگاهی از این ارتباط بین علت هستی و ارزش‌ها فراموش شود، ارزش‌ها رو به نابودی می‌روند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۳۲۲)

در مکتب اسلام نظام ارزش‌های اجتماعی از طریق وحی نازل می‌شود: «ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد یا ناسپاس» (انسان: ۳)^۱ و «هر که به خدا تمسک جوید، قطعاً به صراط مستقیم هدایت شده است». (آل عمران: ۱۰۱)^۲ البته، بشر به دلیل محدودیتی که دارد، با عقل تنها قادر بر طراحی نظام جامع ارزش‌ها نیست. ولی می‌تواند با عقل بشری و توجه به سنت - افعال، اقوال و تقریرات معصومین علیهم‌السلام - به طراحی نظام جامع ارزش‌ها بپردازد. ارزش‌های اسلامی مطلق بوده و غیرقابل تغییرند؛ زیرا خاستگاه آنان وحیانی است و از سوی خداوند به بشر وحی شده است: «مسلماً ما قرآن را بر تو نازل کردیم» (انسان: ۲۳)^۳ و حفظ آن از یک امر قدسی نشئت گرفته است: «و ما به طور قطع، نگهدار آنیم». (حجر: ۹)^۴ از این رو، تنها ارزش‌هایی مطلق‌اند که توسط دین خاتم، بدون هیچ تصرفی به جوامع انسانی رسیده باشد که در جهان امروز دین اسلام است: «و هر کس جز اسلام آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد و او در آخرت، از زیان‌کاران است». (آل عمران: ۸۵)^۵ سایر نظامات ارزشی به دلیل اینکه انسان‌ها آن را تدوین می‌کنند، دارای بُرد زمانی خاصی است و به دلیل محدود بودن انسان، مطلق و ثابت در تمامی اعصار نخواهد بود و انسان نمی‌تواند نظام ارزشی طراحی کند که برای تمامی زمان‌ها و بدون هیچ‌گونه نقصی به صورت دائمی وجود داشته باشد.

۱. «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا».

۲. «وَمَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ».

۳. «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا».

۴. «وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ».

۵. «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ».

انواع ارزش‌ها از جهت قلمرو

قلمرو ارزش، بسیار گسترده و شامل هر مطلوبی می‌شود، بنابراین، قلمرو ارزش هر حیطه‌ای است که ارزش در آن مطرح می‌شود. در یک نگاه استقرائی، قلمروهای ارزش را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

۱. ارزش‌های دینی: دین، برنامه‌ای عام برای زندگی انسان است. (مصباح؛ محمدی، ۱۳۹۴، صص ۱۶۸-۱۶۹) بدین جهت، هر آنچه که از جهت دینی مطلوبیت داشته باشد، دارای ارزش دینی است؛ برای مثال، عبادت، از آن جهت که مطلوبیت دینی دارد، دارای ارزش دینی است. پس ارزش‌های دینی، به آن ارزش‌هایی گفته می‌شود که معنویت را وارد حیات بشر می‌سازند و دارای تقدس‌اند. ارزش‌های دینی، در نظام ارزشی جامعه دینی و خانواده‌ها، از ضروری‌ترین ارزش‌ها هستند.

۲. ارزش‌های اجتماعی: تصوّرات کلی رفتار اجتماعی، که جامعه طالب آن است و به آن ارج می‌نهد. به دیگر سخن، هر آنچه را که اعضای یک جامعه آن را گرامی می‌دارند و در آن وفاق نسبی وجود دارد را ارزش‌های اجتماعی گویند. (نیک گوهر، ۱۳۶۹، ص ۲۸۲)

۳. ارزش‌های فرهنگی: از فرهنگ تعاریف متعددی ارائه شده است (آراسته خو، ۱۳۸۱، صص ۷۲۲-۷۲۷)؛ مانند این تعریف: «به دانش، اعتقادات، ارزش‌ها، هنجارها، آداب و رسوم، هنر، زبان، کاربرد فناوری و قواعد مشترک اعضای جامعه» فرهنگ می‌گویند (میرزایی، ۱۳۹۳، ص ۷۹۹)؛ بنابراین، هر چه که در آداب و رسوم و عقاید و هنرهای یک جامعه مطلوب است، در آن جامعه دارای ارزش فرهنگی است.

۴. ارزش‌های اخلاقی: ارزش اخلاقی، هر آن چیزی است که در علم اخلاق مطلوب واقع می‌شود. به دیگر سخن، ارزش‌هایی که صورت دستوری دارند و رفتار و اندیشه را در جهتی خاص سوق می‌دهند، ارزش‌های اخلاقی گفته می‌شود.

افزون بر ارزش‌های یادشده، می‌توان به ارزش‌های حقوقی، ذهنی، عینی و... هم اشاره نمود.

تقسیم‌بندی ارزش‌ها به انواع مختلف، حاکی از اهمیت ارزش‌ها برای انسان‌ها است. علت این‌که ارزش‌ها اهمیت دارد این است که یکی از مسائلی که ذهن انسان را همیشه به خود مشغول می‌دارد، تشخیص و تعیین ضوابطی است که به کمک آن‌ها بتوان خوب و بد رفتار اخلاقی از رفتار غیر اخلاقی و رفتار انسانی را از رفتار غیر انسانی متمایز ساخت. کیفیت زندگی ما و چگونگی رفتار و مناسبات و روابطی که با دیگر مردم داریم، به‌طور مستقیم متأثر از نظام ارزش‌ها و اصول اخلاقی است که بدان پایبندیم. در واقع، ارزش‌ها تعیین‌کننده الگوی رفتاری و گفتاری ما محسوب می‌شوند و جزء معیارهایی است که توسط آن جامعه را طبقه‌بندی می‌کنیم. ارزش‌ها دارای چنان اهمیتی است که شهید بهشتی، انقلاب اسلامی را انقلاب ارزش‌ها معرفی می‌کند. (سیری در اندیشه‌های دفاعی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۲۵).

شیوه‌های انتقال ارزش‌های دینی به نوجوان

ضرورت نگاهی پویا و فراگیر به آموزش دینی و روش‌های انتقال ارزش‌های دینی بر کسی پوشیده نیست.

انتقال ارزش‌های دینی را می‌توان چنین تعریف کرد؛ انتقال یا رسانیدن هرگونه پیام، خبر یا معنایی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از دین گرفته شده است.

انتقال ارزش‌هایی که در جهت رشد و تعالی و سعادت نوجوان باشد، امری ضروری است. نوجوانان، همواره در معرض ارزش‌های اجتماعی قرار می‌گیرند و ممکن است آن‌ها در میان این ارزش‌ها، دچار سردرگمی گردند. از این‌رو، لازم است ارزش‌های درست و چپستی آن‌ها برای نوجوانان تشریح شود و چگونگی بازشناسی ارزش‌ها از ضد ارزش‌ها به آن‌ها آموزش داده شود؛ (خلیفه، ۱۳۷۸، ص ۶۲) زیرا ارزش‌ها، از طریق یادگیری و پیروی، همانندسازی از گروه‌های مرجع و قانون و ایجاد محبت انتقال می‌یابد.

انتقال ارزش‌های دینی به نوجوان، به‌نوعی پرورش اخلاق و ارزش‌های اسلامی در اوست که برای زندگی بهتر و سالم‌تر در آینده مفید است. در اینکه آیا ارزش‌ها قابل‌آموزش دادن هستند یا نه؟ باید گفت: از دیدگاه اسلام، با توجه به فلسفه بعثت پیامبران و نزول کتاب آسمانی به‌عنوان راهنمایان بشریت، می‌توان گفت ارزش‌ها را هم می‌توان آموزش داد؛ اما نکته مهم در اینجا چگونگی آموزش ارزش‌ها است.

در این بخش، پس از دسته‌بندی و برشمردن ویژگی‌های انتقال و ارتباط به بررسی، گونه‌ها و ارکان انتقال ارزش‌های دینی می‌پردازیم:

دسته‌بندی تعالیم دینی

دین، مجموعه‌ای از باورها، اخلاق و قوانین اجتماعی برای رسیدن انسان به تعالی و کمال است. این تعالیم و مفاهیم به «هست»ها و «باید»ها تقسیم

می‌شود. هست‌ها، مجموعه باورهای انسان است. باید‌ها (احکام) نیز به برقراری رابطه درست انسان با خود، خدا و دیگر انسان‌ها می‌پردازند. در مشهورترین دسته‌بندی، در زمینه گزاره‌های دینی، آن‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: باورها، اخلاقیات و احکام. (مطهری، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۳) در دسته‌بندی دیگری چنین آمده است:

الف) باورها: دسته‌ای از تعالیم است که باورداشتن به آن‌ها، کنش ویژه‌ای را می‌آفریند (اصول دین).

ب) ارزش‌ها: ویژگی‌های اخلاقی پسندیده است که انسان دین‌دار برای دستیابی به آن تلاش می‌کند. (ایازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۵۹)

ج) هنجارها: دسته‌ای دیگر از تعالیم است که احکام پنج‌گانه (وجوب، حرمت، کراهت، استحباب و اباحه) بر آن بار می‌شود.

آنچه شایسته است که در اینجا، به آن پردازیم، چند هدف است:

۱. شناخت ویژگی‌های هر دسته از تعالیم دینی؛

۲. گزینش و برنامه‌ریزی برای آن دسته از تعالیم و ارزش‌های دینی که با

درک و نیاز واقعی نوجوان، هم‌آهنگی بیشتری دارد (اولویت‌سنجی).

۳. شناخت موانع موجود در راه آموزش و انتقال تعالیم و ارزش‌ها و

یافتن راهکارهای برون‌رفت از این مشکل (آسیب‌شناسی).

۴. دستیابی به شیوه‌های درست و متناسب برای یادگیری، آموزش و

انتقال ارزش‌ها (الگوسازی). (باهنر، ۱۳۹۵، صص ۱۴۹-۱۵۱)

گونه‌شناسی روش‌های انتقال ارزش‌های دینی

انتقال ارزش‌های دینی در اسلام، هرگونه آموزش را در بر می‌گیرد. با این حال، شیوه انتقال ارزش‌های دینی بر اساس تفاوت سطح مخاطبان عبارت است از:

۱- آموزش و گفتگو

هدف اصلی در این روش، آموزش آگاهی‌ها و دانستنی‌های مربوط به ارزش‌های دینی است. در این‌گونه انتقال ممکن است از ظرافت‌های هنری و روش‌های احساسی برای القای مطلب، شتاب بخشیدن به آموزش و آسان ساختن پذیرش آن از سوی نوجوان بهره گرفته شود، اما هدف نهایی آن است که نوجوان، آن پیام را بپذیرد؛ البته مربی یا والدین باید پیش از شروع آموزش، به مربی و نوجوان خود کمک کنند تا بتواند با اصلاح معارف و افکار غلط و یا اخلاق ناپسند، گنجایش ظرف معرفتی خود را افزایش داده و خود را آماده دریافت معارف صحیح و ارزش‌های دینی کند.

هرگاه ایجاد تغییرات مطلوب به لحاظ روشی چنان باشد که با آموزش و تبیین همراه شود، نخستین ویژگی تربیت آشکار شده است. مراد از تبیین، این است که فرد خود نسبت به تغییراتی که قرار است در وی ایجاد شود، بصیرت و آگاهی یابد. به این ترتیب، مادر تنها به ایجاد تغییر در رفتار دختر خود نمی‌پردازد، بلکه باید علاوه بر آن، بینشی در او نسبت به این تغییرات فراهم آورد.

آموزش در کنار گفتگو با نوجوان در مورد ارزش‌های دینی و توضیح آن‌ها به صورت ساده و قابل درک، نوجوان را به تفکر و فعالیت وامی‌دارد. ایجاد فضایی برای بحث و گفتگو در خانواده با دختران نوجوان و به

اشتراک گذاشتن دیدگاه‌ها، تجربیات و داستان‌ها، آموزش معارف و ارزش‌های الهی را غنی‌تر و تأثیرگذارتر می‌کند.

۲- اقناع

در این روش، انتقال از مغز و عقل فراتر می‌رود و قلب، روح و درون نوجوان را هدف قرار می‌دهد. البته این شیوه انتقال، از آموزش و آگاه ساختن تهی نیست، ولی به آن نیز محدود نمی‌شود. افزایش سطح ایمان نوجوان در چنین انتقالی جای می‌گیرد.

امروزه اقناع بیشتر در حوزه دانش ارتباطات بحث می‌شود و در این دانش، تعاریف گوناگونی برای این اصطلاح بیان شده است؛ از جمله در تعریف آن گفته شده است: «اقناع، فرآیندی ارتباطی است که هدف آن، نفوذ در گیرنده پیام است؛ به این معنا که یک پیام ترغیبی، یک نظر یا رفتار را به شکلی داوطلبانه به گیرنده ارائه می‌دهد و انتظار می‌رود که این پیام در مخاطب یا گیرنده پیام، مؤثر واقع شود». (حاجی پور، ۱۳۹۲، ص ۱۹) یا گفته شده است: «اقناع، فرآیندی ارتباطی است که هدف اساسی آن، انتقال محتوا با تأثیرگذاری بر مخاطب است» (شاکر؛ حاجی پور، ۱۳۹۱، ص ۱۱)؛ بنابراین، می‌توان گفت که اقناع مخاطب، مساوی با تأثیرگذاری و تغییر در مخاطب است. این تأثیرگذاری و تغییر، ابتدا در ساحت اندیشه انسانی صورت می‌گیرد. در ادامه، باورها و رفتارهای مخاطب نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. مراد از اقناع در این بحث، متقاعد کردن نوجوان است، به گونه‌ای که نگرش او را به مسأله مورد شبهه و سؤال در ارزش‌های دینی، تصحیح کرده و تغییر دهد.

قرآن نه تنها به دنبال اقناع اندیشه مخاطب است، بلکه فراتر از آن، اقناع روح و وجدان مخاطبان خود را نیز تعقیب می‌کند. ممکن است ذهن و فکر

انسان در اثر استدلال و اقامه برهان در مورد یک مسأله قانع شود، اما این قانع شدن همواره مساوی با تصدیق و رضایت درونی نیست. به تعبیر شهید مطهری، «بسیار اتفاق می‌افتد که انسان در مقابل یک دلیل ساکت می‌شود، اما در عمق وجدان خود نوعی تردید نسبت به مدعا احساس می‌کند». (مطهری، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۹۵) او در جایی دیگر برای اقناع، دو مرحله قائل می‌شود و «حکمت و برهان» را مرحله اقناع فکری و «موعظه و تذکر» را مرحله اقناع روحی می‌شمارد. (همان، ج ۲، ص ۴۷۶)

استفاده گسترده قرآن از ارجاع به فطرت و اهتمام به پاسخ‌گویی از این طریق (طه: ۴۹-۵۵؛ انعام: ۴۰، ۶۳ و ۷۱؛ مائده: ۷۶)، یکی از دلایل توجه قرآن به اقناع روحی است. طرح سؤال و پرسش‌گری قرآن در مقابل شبهه (بقره: ۸۰، ۹۱، ۱۱۱ و ۱۷۰؛ آل عمران: ۶۵؛ مائده: ۷۶ و ۱۰۴)، در به چالش کشیدن و اقناع وجدان‌ها بسیار مؤثر است. بسیاری از پاسخ‌های قرآن به شبهات، با موعظه و تذکر همراه است و قرآن تلاش دارد تا در کنار تغذیه فکری و پاسخ استدلالی، روح و جان انسان‌ها را نیز تغذیه کند و این‌ها همه نشان از توجه قرآن به اقناع روحی و تحقق اقناع کامل است.

۳- استفاده از مثال و تشبیه

معمول انسان‌ها تمایل به تبیین مطالب به‌طور ملموس و محسوس دارند. بعضی از موارد، تبیین و توضیح مطلب و گفتگو هر چقدر دقیق صورت بگیرد تا به مرحله محسوس نرسد با ابهام روبه‌رو است و بهترین روش، استفاده از مثال یا تشبیه است، چنان‌که در منطق، یکی از روش‌های تعریف، «مثال» و «تشبیه» است. (مظفر، ۱۳۷۷، ج ۱، صص ۱۰۵-۱۰۶) مربی و والدین در بیان آموزه‌های دینی، مثال‌هایی را ذکر کنند تا نوجوان مطلب را آسان‌تر و

ملموس بفهمد و درک نماید. در این صورت، آموزه دینی تا حدودی راحت‌تر به نوجوان منتقل می‌شود.

ارائه مثال‌های مختلف، به هدف درک ارتباط میان ارزش‌های دینی و زندگی روزمره است. «مَثَل»، بیان یک موضوع به صورت دیگری است، به نوعی که بین آن دو شباهت وجود داشته باشد و با بیان آن، موضوع اول روشن‌تر شود. «مثل»، آنچه را که پوشیده و نامعلوم است، آشکار می‌کند. مادر می‌تواند از مثال جهت بیان اغراض حقیقی خود استفاده کند و با ترسیم معقولات به شکل محسوسات، درک مفاهیم ارزشی را برای دختر نوجوان خود ممکن سازد. برای این فعالیت تربیتی، مثال‌های قرآن دارای فواید تربیتی فراوانی بوده و از اولویت برخوردار هستند. البته هرگز نباید به معنای سطحی مثال‌ها توقف کرد، بلکه با اندیشیدن درباره آن‌ها بایستی به معانی عمیق آن‌ها پی برد. (بقره: ۲۶۱ و ۲۶۴؛ آل عمران: ۱۱۷)

۴- مشاهده و تقلید

در روش مشاهده و تقلید، جنبه مثبت آن یعنی الگودهی، مورد توجه است و گرنه تقلید کورکورانه و از روی ناآگاهی، امری ناپسند و مطرود است. تقلید باید آگاهانه باشد و متربی و نوجوان بایستی هنگام مشاهده یک رفتار، تنها رفتارهایی را تقلید نماید که بر اساس موازین عقل و شرع باشند. لیبرت و اسیگلر، سه مرحله را در یادگیری مشاهده‌ای بیان می‌کند: (۱) مشاهده؛ (۲) اکتساب؛ (۳) پذیرش. (رشیدپور، ۱۳۸۸، صص ۱۰۷-۱۱۳)

عمل و رفتار مربی یا والدین که زیر ذره‌بین چشم متربی و نوجوان است، تأثیر ژرف و شگرفی در تعلیم و تربیت او دارد (اکبری، ۱۳۹۱، ص ۸۲)؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مردم را با اعمالتان، نه فقط با زبان‌هایتان [به‌سوی

خدا] فرا بخوانید». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۸) زمانی که مادر، درست در جهت مخالف رفتار مشاهده شده توسط دختر نوجوان، عمل نماید، «تقابل» صورت گرفته است. عنصر جوهری تدین، التزام عملی به باورها و ارزش‌ها است. فرد متدین، کسی است که به مقتضای عقاید و ایمان خود، اقدام به انجام اعمالی می‌کند. تکرار «الذین آمنوا و عملوا» در آیات فراوانی از قرآن، نشان می‌دهد که لازم است فرد دین‌دار، اعمال خاصی را انجام دهد. این اعمال، اعم از کردارهای عبادی، اخلاقی و اجتماعی است.

ناگفته نماند که والدین اگر با اصول و مبانی و اهداف تعلیم و تربیت، ویژگی‌های فراگیران و نیاز آن‌ها آشنایی نداشته باشند، قادر نیستند به‌عنوان سازندگان جامعه نقش ایفا کنند و ارزش‌های دینی را به نوجوانان خویش انتقال دهند.

روش تحقیق پدیدارشناسی

روش تحقیق پدیدارشناسی، به‌عنوان یکی از روش‌های تحقیقات کیفی، از چند جهت مورد توجه است که در اینجا به بحث از آن پرداخته می‌شود.

انتخاب روش پدیدارشناسی در پژوهش حاضر

پدیدارشناسی، پژوهشی کیفی است و شامل مجموعه‌ای از روش‌های توصیفی و تفسیری است که به دنبال رمزگشایی و کشف تجربیات افراد مورد مطالعه از پدیده مورد پژوهش است. دلایل تناسب این روش را در پژوهش حاضر می‌توان در چند مطلب دانست:

۱) پژوهش‌های به روش پدیدارشناسی، استقرائی است و در آن، دیدگاه‌ها از توصیف تجربیات افراد تحت مطالعه به دست می‌آید. (مرادی پردنجانی؛ صادقی، ۱۳۹۳، صص ۶۲-۷۲)

۲) واحد تحلیل و بررسی، عده‌ای از مردم هستند که تجربیاتی در خصوص پدیده مورد پژوهش دارند. این تجربیات، الزاماً نمی‌توانند کاملاً مشترک باشند؛ بلکه ممکن است گونه‌های متفاوتی از سایر افراد مورد مصاحبه داشته باشند. (پروری، ۱۳۹۸، صص ۹۵-۹۶)

۳) روش در پدیدارشناسی، آنچه اهمیت دارد فهم جوهره یک پدیده در نزد گروهی از افراد است و به تبیین پدیده و اندازه‌گیری آن نمی‌پردازد. (همان)

بنابراین، با توجه به این نکته که روش پدیدارشناسی به دنبال فهم جوهره تجربه زیسته افراد از پدیده مورد پژوهش است، نگارنده آن را به‌عنوان یک استراتژی پژوهشی قابل‌اتکا و راهگشا برای دستیابی به واقعیت ناب پدیده پژوهش حاضر انتخاب نموده است که به نگارنده کمک می‌کند تا معنا و ماهیت تجربه زیسته مادران را از پدیده انتقال ارزش‌های دینی به دختران نوجوان را در یک منطقه خاص بهتر بداند؛ لذا در اینجا ضروری است که به مباحثی در مورد روش پدیدارشناسی پرداخته شود.

ویژگی‌های روش پدیدارشناسی

پدیدارشناسی، روشی پربار جهت پژوهش‌های توصیفی و تفسیری تجربه‌های زیسته در مطالعات اجتماعی از جمله «انتقال ارزش‌های دینی به دختران نوجوان» ارائه می‌دهد و امتیازهای انکارناپذیری در این عرصه دارد؛ نخست از این جهت که مربوط، به یک موضوع انسانی: (مادران و دختران

نوجوان) است که مطالعه و تحقیق درباره آن، نیازمند روش پدیدارشناسی است تا مطالعات بر اساس واقعیت‌های اجتماعی باشد. دیگر این که تجربه، یک ادراک حسی است، لذا هر فردی باید تفسیر شخصی خود از پدیده تجربه شده را بیان کند. همچنین ممکن است پژوهشگر هنگام دریافت اطلاعات از راه مصاحبه‌ها، با داده‌هایی بر اساس دیدگاه‌های مختلف درباره پدیده مورد تجربه مواجه شود. از این رو، رویکرد درون‌نگر پدیدارشناسی، پژوهشگر را به شناسایی داده‌های بنیادین موضوع مورد تجربه، توانا و بهره‌مند می‌سازد.

استفاده از روش پدیدارشناسی، می‌تواند چارچوبی برای دستیابی به واقعیت پدیده‌های مورد پژوهش باشد و نگرش و شیوه‌ای ذهنی و سیستماتیک، برای توصیف عمیق تجربیات زندگی و معنی دادن به آن‌ها باشد. چنان‌که از دیدگاه مورس یکی از مزایای روش پدیدارشناسی این است که در آن هیچ متغییری دست‌کاری نمی‌شود. (همان، ص ۹۵)

فهم زندگی و کشف این که مردم چگونه معنای زندگی خود را می‌سازند، زمانی تحقق پیدا می‌کند که تجربه زیسته از دیدگاه مردم، مورد مطالعه و پژوهش قرار گیرد. برای نمونه، با توجه به روش پدیدارشناسی، انتقال ارزش‌های دینی به دختران نوجوان توسط مادران، رفتاری دارای معنا است و فهم آن، مستلزم ورود به اذهان مادران است. از این رو، مصاحبه‌های در پدیدارشناسی، عمیق است که به صورت نیمه ساختار یافته‌ای، معنای تجربه زیسته در آن کشف می‌شود. محور مصاحبه معلوم است و گفتگوی آزاد و دوستانه در آن نیست و سؤال‌ها در آن باز و آزادانه است.

انتخاب جامعه مورد مطالعه و طراحی سؤال‌ها

انتخاب جامعه مورد مطالعه، برای پژوهش به روش پدیدارشناسی اهمیت زیادی دارد. تجربه زیسته مادران نسبت به شیوه‌های انتقال ارزش‌های دینی، در یک جامعه یا شهر خاص (شهر دلیجان) موضوع این پژوهش است. پس از انتخاب جامعه مورد پژوهش، مسائل مربوط به آن را باید بیان کرد؛ اما در تعیین سؤال اصلی پدیدارشناسی باید به وجود ذاتی پدیده پرداخت. (عابدی، ۱۳۸۵، صص ۶۳-۷۹) سؤال‌ها در پژوهش پدیدارشناسی به چند صورت کلی از مشارکت کنندگان پرسیده می‌شود؛ برای نمونه، مادران، پدیده مورد نظر را چگونه یا چه چیزی را تجربه کرده‌اند؟ معنا و مفهوم این پدیده از نظر مادران مورد مطالعه چیست؟ آن را چگونه توصیف می‌کنند و چه احساسی نسبت به آن دارند؟ چه بسترها و عواملی بر تجربه آن‌ها از پدیده مورد بررسی تأثیرگذار بوده است؟ و سؤال‌هایی از این قبیل. همچنین می‌توان روی بخش خاصی از تجربه‌هایی که فرد بیان می‌کند متمرکز شد و سؤال‌های جزئی‌تر جهت بررسی دقیق‌تر در زمینه‌های مختلف طرح نمود. برای نمونه، بعضی از سؤالاتی که در پژوهش حاضر انجام گرفته عبارت است از:

الف) سؤالات از مادران

۱. دختر نوجوان خود را چگونه توصیف می‌کنید؟
۲. با ویژگی‌ها و خصوصیات نوجوان چقدر آشنا هستید؟
۳. دختر شما کدام ویژگی نوجوانی را بیشتر دارد؟
۴. چقدر او را در کارها و فعالیت‌هایش حمایت می‌کنید؟
۵. چقدر برای علایق او و انتخاب‌های او ارزش قائل هستید؟

۶. چه چیزهایی برای شما ارزش است؟
۷. ارزش‌های دینی را چه چیزهایی می‌دانید؟ و...

ب) سؤالات از دختران

۱. مادر خود را چگونه توصیف می‌کنید؟
۲. تعامل شما با مادرتان چگونه است؟
۵. احساس می‌کنید مادر شما، شما را به سمت خاصی هدایت می‌کند؟
۶. چه چیزهایی را از مادر خود یاد گرفته‌اید؟ و...

نمونه‌گیری و انجام مصاحبه

داده‌ها و اطلاعات از افرادی که پدیده مورد نظر را تجربه کرده‌اند گردآوری می‌شوند. در این مرحله، مشارکت کنندگان باید به‌دقت انتخاب شوند تا همان افرادی باشند که پدیده مورد بررسی را تجربه کرده باشند.^۱ با نگاهی اجمالی به دختران نوجوان و سبک رعایت و تقید آن‌ها به ارزش‌های دینی و گفتگوی کوتاهی با ایشان و مادرانشان به این نتیجه رسیدم که این موارد می‌توانند نمونه‌هایی برای مصاحبه و دریافت تجربه زیسته آنان مبنی بر انتقال ارزش‌های دینی در تعامل با یکدیگر باشند. روش‌های جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق، با مشاهده و مصاحبه انجام گرفته است؛ اصلی‌ترین روش گردآوری داده در پژوهش پدیدارشناسانه مصاحبه است؛ زیرا در مصاحبه، مشارکت‌کننده خودش با زبان خود اقدام به توصیف تجربیاتش از پدیده و ارائه اطلاعات دست اول به محقق می‌کند. در این راستا، نگارنده به ترتیب، هر یک از سؤال‌های خود را از مصاحبه‌شونده پرسیده است و

۱. فهرست افراد مورد مصاحبه در بخش پیوست پایان‌نامه آمده است.

هیچ‌گونه مخالفت و موافقتی با صحبت‌های فرد نکرده است و در واقع، به صحبت‌های او جهت نداده است.

یافته‌ها

پس از انجام مصاحبه‌ها، متن مصاحبه‌ها با دقت پیاده شد. گزاره‌های مهم و مرتبط از مصاحبه‌ها به صورت داده‌های اصلی، مبنای اولیه پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند. این گزاره‌ها با چند بار مطالعه متن مصاحبه‌ها و با توجه به سؤال اصلی و سؤالات فرعی پژوهش به دست آمده‌اند. سعی شد که گزاره‌های اولیه استخراج شده از متن مصاحبه‌ها را در قالب خوشه‌های معنایی جداگانه جانمایی کرده و به هر خوشه معنایی یک برچسب مفهومی اختصاص یابد. در مرحله بعدی، مقولات کلی‌تر که هر کدام حاوی چندین مقوله اولیه بودند، ساخته شدند. این مقولات که همان مضامین سازمان‌دهنده هستند، وجوه مختلف تجربه شرکت‌کنندگان و توصیف آن‌ها از شرایط موجود و عینی را نشان می‌دهند. در پژوهش پدیدارشناسی، هر کدام از مضامین سازمان‌دهنده، پوشش‌دهنده چند واحد معنایی یا مضمون پایه هستند.

در ادامه، از تجمیع این مضامین، مضامین جامع‌تری ساخته شد. این فرایند که با رفت و برگشت چند باره و مراجعه به کدگذاری‌های اولیه صورت گرفت، نهایتاً به استخراج مضامین اصلی این پژوهش منجر شد که هر کدام بخشی از دو حوزه معنایی کلی هستند.

مجموعاً چهارده مضمون اصلی در پنج حوزه معنایی استخراج شدند که هر کدام دارای مضامین سازمان‌دهنده و مضامین پایه متعدد و متنوعی است. این ساختار داده‌های پژوهشی به صورت جدول‌ها نشان داده شدند.

ابتدا جدول کلی که نشانگر حوزه‌های معنایی و مضامین اصلی است آورده شدند و سپس در ادامه، با تفسیر متنی داده‌ها، هر مضمون همراه با جدول خود آورده شده است. همچنین، جداول کدگذاری‌های اولیه با نمونه‌های متنی آن در آخر پژوهش ضمیمه شده است.

نتایج برآمده از مصاحبه‌ها حاصل کوشش محقق در مسیر جستجوی معنا و انگاره‌های ذهنی ناشی از تجربه زیسته مصاحبه‌شونده‌ها - مادران و دختران نوجوان شهرستان دلیجان - در تعامل آن‌ها با یکدیگر در فرایند انتقال و دریافت ارزش‌های دینی است. نتیجه تحلیل داده‌ها کشف چهارده مضمون اصلی است که در جدول شماره ۳ آمده‌اند.

جدول شماره ۳. مضامین اصلی

| | |
|--------------------------------------|------------------------------|
| پرچالش | ویژگی‌های نوجوان |
| مثبت | |
| منفی | ویژگی‌های مادران |
| مثبت | |
| روش نوجوان در حل مشکلات با مادر | ارتباط مادر و نوجوان |
| ارتباط غیرمؤثر | |
| ارتباط مؤثر | |
| دینی | ارزش‌ها |
| اجتماعی | |
| خانوادگی | |
| فردی | |
| عوامل مرتبط با تعامل نوجوان و والدین | عوامل مؤثر در انتقال ارزش‌ها |
| عوامل مرتبط با والدین | |
| عوامل مرتبط با نوجوان | |

ویژگی‌های نوجوانان

در جدول شماره (۴) توصیف مادران از ویژگی‌های دختران نوجوان در دو مقولهٔ پرچالش و مثبت آمده است.

جدول شماره ۴ - ویژگی‌های نوجوانان

| اهمیت دادن بیش از اندازه به گروه همسالان | | ویژگی‌های پرچالش نوجوانان |
|--|--------------------------------|--|
| غروهای نوجوانی | خودمحوری | |
| خودمحوری | | |
| استقلال‌طلبی | | |
| خیال‌پردازی | نوسانات خلقی و رفتارهای هیجانی | |
| عجول بودن | | |
| داشتن شخصیت پیچیده | | |
| خودنمایی | | |
| اهمیت زیاد به پوشش | | |
| تمایل به جلب توجه دیگران | | |
| حساسیت و زودرنجی | بحران هویت | |
| افسردگی | | |
| پرخاشگری | | |
| بحران هویت | | |
| توقع زیاد از والدین | | |
| کشش به سمت مسائل غیردینی | ویژگی‌های مثبت نوجوانان | |
| ایمان | | ویژگی‌های اخلاق‌مدارانه |
| خوش‌قلبی | | علاقه‌مند به رفتار متناسب با هویت جنسیتی |
| مطیع و آرام بودن | | |
| مهربانی | | |
| حیا | | علاقه‌مند به رشد و توسعه فردی |
| پرسشگر | | |
| کتاب‌خوان | | |
| درس‌خوان | | علاقه‌مند به پذیرش نقش‌های اجتماعی |
| مسئولیت‌پذیری | | |
| روابط عمومی بالا | | |
| هیئتی بودن | | |

ویژگی‌های پرچالش

مادران در توصیف دختران نوجوان خود، اغلب به‌جای استفاده از اصطلاحات علمی، می‌کوشند تا شرحی نسبتاً دقیق از فضای روحی و شخصیتی آن‌ها ارائه دهند. اگرچه بیشتر مادران مورد مصاحبه در حد امکان کوشیده بودند تا در باب دوران نوجوانی معلومات لازم را کسب کنند و از آن طریق توانایی خود در تعامل با دخترانشان را ارتقا دهند، اما با وجود این، همچنان با چالش‌های دوران نوجوانی دخترانشان دست و پنجه نرم می‌کردند. برخی از نوسانات خلقی، هیجانی و رفتاری که مادران در گفته‌های خود به چالشی بودن آن‌ها اشاره کردند، مضامینی که از کدگذاری مصاحبه با دختران نوجوان در توصیف مادرانشان در شرح ویژگی‌های مثبت و منفی به دست آمد به شرح زیر است:

ویژگی‌های مثبت مادران

تلاشگر و خیرخواه: چند نفر از مصاحبه‌شونده‌های دختر در این تحقیق مادران خود را **تلاشگر** توصیف می‌کردند، در عین اینکه باهم چالش‌هایی هم داشتند و گاهی سر بعضی مسائل باهم بحث یا دعوا داشتند؛ اما درعین حال تلاش مادرانشان برای آنچه که می‌خواهد به آن‌ها منتقل کنند را هم نادیده نمی‌گرفتند و او را **خیرخواه** معرفی می‌کردند.

همدلی و درک بالا نسبت به نوجوان: کلاً دختران از اینکه از سوی والدین و اطرافیان درک شوند و شرایطشان پذیرفته بشود و به افکار و رفتارهایشان احترام گذاشته شود خیلی لذت می‌برند. بعضی از دختران

مصاحبه‌شونده از اینکه مادرانشان آن‌ها و علایق و سلیقه‌شان را می‌فهمند، خیلی ابراز رضایت می‌کردند.

مصاحبه‌شونده کد ۱۲ که تک‌فرزند و دارای تعامل خیلی خوب با مادر خود بود، این‌گونه بیان می‌کرد: «من و مامانم خیلی باهم رفیقیم. مامان منو خیلی درک می‌کنه باهم گاهی دعوا هم می‌کنیم؛ ولی ایشون این‌قدر با روحیات من آشناست که در خیلی از مسائل با من همدلی میکنه و درک بالایی از خواسته‌هام داره. البته منم تلاش می‌کنم معقول عمل کنم».

کد شماره ۱۰ و ۶، معاشرت اجتماعی بالا و اهل رفت‌وآمد بودن را از ویژگی‌های خوب مادر معرفی کردند. آن‌ها مادر خود را یک فعال فرهنگی و اهل ارتباط و فعالیت در اجتماع دانستند و معتقد بودند همین امر سبب شده آن‌ها نیز متأثر از این ارتباط‌ها، اجتماعی‌تر شده و تعاملشان با دیگران خیلی بهتر بشود.

آرامش و بخشندگی و شجاعت و نظم و باسلیقگی و هنرمندی و خوش‌اخلاقی: هم از ویژگی‌های مثبتی از مادران در چشم دختران نوجوانشان بود که به‌وفور در گفتگوها بیان می‌شد.

و اما آنچه چندین دختر در تجربه زیسته خود با مادرانشان بیان کردند و آن را ویژگی مادر و مقوله‌ای که از آن خیلی درس گرفته بودند: مقاومت در برابر مشکلات بود که مقوله زیبای صبر رو به تصویر می‌کشد.

مصاحبه‌شونده‌های کد ۱ و ۷ و کد ۱۱ که هر کدام به‌گونه‌ای با مشکلات زیادی دست‌وپنجه نرم می‌کردند از جمله ازدست‌دادن پدر، طلاق پدر و مادر و شرایط جانبازی پدر، اذعان داشتند که تحمل و صبر مادر در

برابر سختی‌هایی که در زندگی داشتند درس بزرگی برای ما بوده و سبب شده ما هم مقاوم و مسئولیت‌پذیر بشیم.

ویژگی‌های منفی مادران

در مصاحبه با دختران نوجوان، چند ویژگی منفی از مادران نقل شد که به آن می‌پردازیم. یکی از مصاحبه‌شونده‌های نوجوان، مادرش درگیر اعتیاد سختی بود که خانواده را همین مصرف مادر به چالش کشیده بود او مادرش را در ابراز احساس و عاطفه ناتوان توصیف می‌کرد و می‌گفت: «اکثر اوقات مادرم عصبانی است. خانواده روی هیچ‌چیزی بند نیست و ما هیچ دلخوشی‌ای در خانه نداریم و پدر و مادرم بیشتر در حال دعوا و درگیری هستند. من چیزی ندیدم که یاد بگیرم. در خانه ما کسی نماز نمی‌خواند که من نمازخواندن را یاد بگیرم، گاهی در مدرسه بچه‌ها نماز میرن ولی من نخوندم و بلد نیستم».

برخی از مصاحبه‌شونده‌های نوجوان هم به‌رغم خیرخواه دانستن مادر خود، اما با این حال مادر را با ویژگی کنترل‌گر توصیف کردند. کد ۱۴ و کد ۱۰ و کد ۹ و کد ۲ در توصیف مادر از لفظ کنترل‌گر استفاده کردند و گفتند «گیر می‌ده گاهی می‌خوام برم بیرون مدام منو می‌خواد کنترل کنه و برنامه هام رو چک می‌کنه».

بداخلاقی و عصبانیت هم یکی از مقوله‌ها در توصیف صفات و ویژگی‌های مادران بود که دختران در گره‌زدن آن به بی‌حوصلگی مادر و غرغر کردن و ایرادگرفتن از کارهای آن‌ها را بیان می‌کردند و اگر در چالشی با آن‌ها بحث می‌کردند و نتیجه‌بخش نبود، بداخلاقی و عصبانیت مادر را انتهای کار توصیف می‌کردند.

ارتباط مادر و نوجوان

ارتباط مادر و نوجوان، رابطه‌ای پیچیده و پویا است که در دوران بلوغ به‌طور فزاینده‌ای اهمیت پیدا می‌کند. این رابطه می‌تواند منبع حمایت و عشق باشد، اما درعین حال می‌تواند با چالش‌های متعددی نیز روبرو شود. در این بخش، به بررسی مضامین کلیدی در ارتباط مادر و نوجوان، با تمرکز بر روش‌های حل مشکل، موانع ارتباط مؤثر و عوامل اصلاح‌کننده آن می‌پردازیم.

موانع ارتباط مؤثر

عوامل متعددی می‌توانند در مسیر ارتباط مؤثر مادر و نوجوان مانع ایجاد کنند. برخی از این موانع عبارت‌اند از:

عدم‌پذیرش دوستان نوجوان توسط مادر: اگر مادر دوستان فرزند خود را نپذیرد، این امر می‌تواند باعث ایجاد تنش و درگیری در رابطه آن‌ها شود.

اعتیاد مادر: اعتیاد مادر می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی بر سلامت روان و روابط او با اعضای خانواده، از جمله فرزند نوجوانش، تأثیر منفی بگذارد.

اعتماد نداشتن مادر به نوجوان: اگر مادر به فرزند خود اعتماد نداشته باشد، این امر می‌تواند به محدودکردن آزادی‌های او و ایجاد تنش در رابطه آن‌ها منجر شود.

بیگانگی مادر با فضای فرهنگی ایران: اگر مادر با فضای فرهنگی ایران آشنا نباشد، این امر می‌تواند در درک او از نیازها و خواسته‌های فرزند نوجوانش مشکل ایجاد کند.

تفاوت سنی و تفاوت نظر: تفاوت سنی بین مادر و نوجوان می‌تواند به وجود آمدن دیدگاه‌ها و نظرات متفاوت در مورد مسائل مختلف منجر شود.

عوامل اصلاح‌کننده ارتباط مؤثر

برخی از عواملی که می‌توانند به ارتقای کیفیت ارتباط مادر و نوجوان کمک کنند عبارت‌اند از:

داشتن امنیت: نوجوان باید در خانه احساس امنیت و آرامش کند و بداند که می‌تواند بدون ترس از قضاوت یا سرزنش، نظرات و احساسات خود را با مادر در میان بگذارد.

صمیمیت و رفاقت: وجود رابطه صمیمانه و دوستانه بین مادر و نوجوان، به آن‌ها کمک می‌کند تا به راحتی با یکدیگر صحبت کنند و مشکلات خود را حل کنند.

کمک به پذیرفته شدن نوجوان: مادر باید به فرزند خود کمک کند تا خود را با تمام نقاط قوت و ضعفش بپذیرد و دوست داشته باشد.

انتقال ارزش‌ها از مادر به نوجوان

یکی از محورهای مصاحبه عمیق با افراد مورد مطالعه، ناظر به ارزش‌هایی است که از مادران به نوجوان انتقال یافته و متقابل از طرف نوجوان دریافت شده است. در یکی از سؤالات مصاحبه با نوجوانان، از او پرسیدیم چه ارزش‌هایی را از مادرانتان آموخته‌اید؟ آن‌ها به صورت کلی و گاهی هم با توضیحات ارزش‌هایی را که از مادرانشان به آن‌ها منتقل شده بود، بیان کردند و همچنین از مادران در رابطه با این‌که چه چیزهایی برای شما ارزش تلقی می‌شود و سعی در انتقال آن داشته‌اید؟ سؤال شد.

نتیجه‌گیری

۱. پژوهش حاضر، در پی کشف روابط معنایی مادران با دختران نوجوان خود، در انتقال ارزش‌های دینی بود که شهر دلیجان را به‌عنوان محور تحقیق قرارداد. بدین منظور، از مادران و دختران نوجوان از ۴ منطقه شهر دلیجان و ۵ مدرسه متوسطه اول، مشارکت داشتند که غالباً با «پرسش‌نامه‌های مشابه» مورد ارزشیابی و نظرخواهی قرار گرفتند. در این راستا، پژوهش پیش‌رو، یافته‌های بحث‌انگیزی را در باب ماهیت ارزش‌های دینی و روش‌های انتقال آن به دختران نوجوان، به دنبال داشت (که در ذیل خواهد آمد).

از آنجایی که نیاز به حریم خصوصی و دستیابی به هویت و تفکر مستقل در دوران نوجوانی، زمینه را برای بروز چالش در تعامل میان مادران و دختران نوجوان به وجود می‌آورد و نیز نقش عاطفی مادر بر دختر نوجوان، به نظر، اهمیت تحقیق حاضر را روشن کرده است.

۲. در مفهوم‌شناسی واژگان کلیدی و مطالب پیرامونی آن‌ها پرداخته شد؛ از جمله مهم‌ترین این واژگان، «تجربه زیسته» و «پدیدارشناسی» بود. براساس آنچه در این مورد بیان شد، پدیدارشناسی، شناخت یا بررسی پدیدارها است و در واقع، تجربه آگاهانه و تجربه زیسته را در یک موضوعی مورد بررسی قرار می‌دهد و به دستیابی فهم عمیق از ماهیت و معانی تجارب روزانه کمک می‌کند.

همچنین مفاهیم دیگری مانند «مادری»، «ارزش» و «نوجوانی» مورد مطالعه مفهومی قرار گرفت و دیدگاه‌های گوناگون در مورد مفهوم مادری تشریح شد. همچنین مفهوم مادری در تعریف منابع اسلامی مورد مطالعه

قرار گرفت که در این تعریف مفهوم مادری، مهم‌ترین نقش یک زن و موجبات کمال او را تبیین می‌کند و از تجلیات ارزشمند زن در جهان خلقت، نقش مادری است. در تعالیم اسلامی برای مادری در پرورش و تربیت فرزند، حالت و فضیلتی عالی کمالی شمرده شده است. جامعه معاصر نیاز محسوسی به واکاوی جایگاه و تأثیر مادر در خانواده برای ارائه الگوهای دست یافتنی دارد؛ لذا یکی از حسّاس‌ترین دوران فرزند که دوره نوجوانی است، مادر در این دوره فرزند، به‌ویژه دختر نوجوان، مسئولیت بزرگ الهی دارد؛ چرا که دوران نوجوانی که با بلوغ شرعی آغاز می‌شود، اولین مرحله اصلی تربیت است که دوره آغازین ربوبی ساختن نوجوان و مواجهه او با خدا تلقی می‌شود.

در خصوص مفهوم ارزش که دارای تعاریف و مصادیق مختلف از نگاه علوم گوناگون دارد، مورد بررسی قرار گرفت و روشن شد که علت نهایی ارزش‌های دینی، در علت نهایی هستی ریشه دارد و قلمرو ارزش، بسیار گسترده و شامل هر مطلوبی می‌شود. ارزش‌های دینی در خانواده‌ها، از ضروری‌ترین و اصلی‌ترین ارزش‌ها هستند و ارزش‌ها در رفع نیازهای اساسی نوجوانان تأثیر بسزایی دارد.

در بخش پایانی به مبحث تعامل با نوجوان و شیوه‌های کلی انتقال ارزش‌های دینی پرداخته شد و با توجه به اینکه هدف از انتقال ارزش‌های دینی به نوجوان، پرورش ارزش‌های انسانی و الهی برای زندگی بهتر و سالم‌تر است، شناسایی شیوه انتقال ارزش‌ها، اهمیت بسزایی در خانواده و از سوی والدین، به‌ویژه مادر نسبت به دختر دارد.

۳. درباره روش‌شناسی تحقیق حاضر، مطالبی بیان شد تا ترسیم مناسبی از پژوهش و مسیر آن ارائه گردد؛ روش تحقیق پدیدارشناسی، به‌عنوان یکی از روش‌های تحقیقات کیفی، در پژوهش پیش‌رو، معرفی شد که به‌صورت توصیفی و تفسیری انجام گرفت که نتیجه آن، چارچوبی برای دستیابی به واقعیت موضوع «انتقال ارزش‌های دینی به دختران نوجوان» گردید. پژوهش حاضر، در این روش، مراحل را در مورد تجارب زیسته مادران متعدّد شهر دلیجان نسبت به انتقال ارزش‌های دینی به دختران نوجوان طی کرده است؛ مانند انتخاب جامعه مورد مطالعه و طراحی سؤال‌ها، انجام مصاحبه و تجزیه و تحلیل داده‌ها. بدین وسیله نگارنده تلاش کرد تا الگوی منظمی از تکرار مطالب و جمع‌آوری و بررسی اطلاعات به دست آمده از مشارکت‌کنندگان را ارائه دهد.

۴. برای رسیدن به اهداف و یافته‌های پژوهشی، بر اساس روش‌شناسی تحقیق حاضر، یکی از کارهای مهمی که صورت گرفت، انجام مصاحبه‌ها با مادران متعدّد شهر دلیجان با ویژگی‌ها و سبک‌های مختلف زندگی در خصوص انتقال ارزش‌های دینی به دختران نوجوان بود. در این مصاحبه‌ها و پرسش‌نامه‌ها، مطالبی محور قرار گرفت؛ مانند تعامل مادران و دختران نوجوان و توصیف یکدیگر، ارزش‌های دینی از نظر آنان و مسیرها و شیوه‌ها و موانع انتقال این ارزش‌ها. نتیجه تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده، کشف چهارده مضمون اصلی شده است؛ از جمله: عوامل مؤثر در انتقال

ارزش‌های دینی، ویژگی‌های دختران نوجوان از نگاه مادران، به‌ویژه ویژگی‌های پرچالش (خودمحوری، پرخاشگری، کشش به سمت مسائل غیردینی، تمایل به جلب توجه دیگران و...).

همچنین ویژگی‌های مادران از نگاه دختران نوجوان مورد کنکاش قرار گرفت که مضامینی مثبت و منفی به دست آمد؛ مضامین منفی مانند اعتیاد، ناتوانی در ابراز عاطفه و بد اخلاقی. مضامین مثبت مانند تلاشگری، آرامش، مقاومت در برابر مشکلات و بخشندگی.

دختران نوجوان در مقوله تعامل با مادران خود، هنگام مواجهه با مشکلات، با مادر خود از روش‌های مختلف مثبت و منفی مانند لجبازی و صبر استفاده می‌کنند. عوامل متعددی می‌توانند در مسیر ارتباط مؤثر مادر و نوجوان مانع ایجاد کنند؛ از جمله این موانع، عدم‌پذیرش دوستان نوجوان توسط مادر است؛ از سوی دیگر، عواملی اصلاح‌کننده ارتباط مادران با دختران نوجوان می‌باشند؛ مانند همراهی و همدلی، صمیمیت و رفاقت، گفتگو کردن در مواجهه با مشکلات و کمک به پذیرفته‌شدن نوجوان.

بر اساس یافته‌های تحقیق، تأثیر مادر در خانواده و جایگاه بلند و عملکرد او، در گرو چگونگی انتقال ارزش‌های دینی به دختران نوجوان و دغدغه‌مندی مادران در یافتن راهکاری برای تربیت دینی آنان است. دختران نوجوان شهر دلیجان از مادران خود ارزش‌های دینی متعددی در زمینه فردی و اجتماعی را آموخته‌اند؛ از جمله این صفات اخلاقی و اجتماعی عبارت‌اند از: راست‌گویی، امانت‌داری، قناعت، مقاومت در برابر سختی‌ها، حجاب، دوستی با اهل بیت علیهم‌السلام و رفتار معمولی در جامعه.

یکی از مواردی که از مصاحبه‌ها به دست آمد و دارای اهمیت برای مادران بود، انتقال ارزش‌های دینی به نسل‌های بعدی و دغدغه‌هایی بوده که در این زمینه داشتند. مخصوصاً در دنیای امروز که پدیده‌های جدیدی مانند فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، ظهور کرده است.

تعامل مادر و دختر نوجوان و شناخت مادر از بحران‌ها و شرایط دوران نوجوانی دختر و درک عمیق او نسبت به جایگاهش، در انتقال ارزش‌های دینی به آن‌ها و فراهم نمودن یک محیط آرام و بدون تنش در خانواده تأثیر مهمی دارد و نیز موجب شکل‌گیری یک خانواده‌آسب‌ناپذیر و متعالی خواهد شد و در نتیجه، اثرگذاری چنین خانواده‌ای بر اجتماع مشهود خواهد بود. اگر والدین رفتار ناهنجاری داشته باشند، فرزندان نیز ممکن است به تقلید از آن‌ها رفتار کنند. به‌عنوان مثال، اگر دختر، مادری بداخلاق داشته باشد، ممکن است چادری بودن را با بد اخلاقی مرتبط بداند و از انتخاب آن امتناع کند.

با توجه به نتایج به دست آمده، توصیه می‌شود که مادران بیشتر به شناخت بحران‌ها و شرایط دوران نوجوانی دختران پرداخته و درک عمیقی از جایگاه خویش در انتقال ارزش‌های دینی به دختران داشته باشند. همچنین، توصیه می‌شود که مادران سعی کنند فضای صمیمی و بی‌تنشی در خانواده ایجاد کنند و با تأکید بر مبانی دینی، سبک زندگی خود را شکل دهند.

منابع

قرآن کریم

- ۱- آبوت، والاس. (۱۳۹۳)، جامعه‌شناسی زنان، ترجمه: منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- ۲- آراسته خو، محمد. (۱۳۸۱)، نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی - اجتماعی، تهران: چاپخش.
- ۳- اندرسون، جسیکا. (۱۳۸۵)، «افتخار مادر بودن»، سیاحت غرب، ش ۳۳.
- ۴- ایازی، سید علی. (۱۳۷۷)، چگونگی تبدیل مفاهیم دینی به نشانه‌های تصویری، مجموعه «سینما از نگاه اندیشه»، قم: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- ۵- باهنر، ناصر. (۱۳۹۵)، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- ۶- بستان (نجفی)، حسین. (۱۳۹۸)، جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۷- پرتوی، پروین. (۱۳۹۲)، پدیدارشناسی مکان، تهران: فرهنگستان هنر.
- ۸- پرووری، پیمان. (۱۳۹۸)، «خوانشی نو از روش پدیدارشناسی؛ بنیان‌های فلسفی، رویکردها و چارچوب اجرای تحقیق پدیدارشناسی»، مطالعات جامعه‌شناسی، ش ۴۴.
- ۹- پهلوان، چنگیز. (۱۳۸۲)، فرهنگ‌شناسی، تهران: قطره.

- ۱۰- جمعی از نویسندگان. (۱۳۹۱)، روش‌شناسی تحقیق کیفی: پدیدارشناسی، پرستاری و مامایی جامع‌نگر، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- ۱۱- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۵)، زن در آئینه جلال و جمال، قم: مرکز نشر اسراء.
- ۱۲- حاجی پور، حسین؛ حسینی، سید محمدجواد. (۱۳۹۲)، قرآن و مبانی گفتگو، قم: فرهنگ اهل‌بیت علیهم‌السلام.
- ۱۳- خلیفه، عبداللطیف محمد. (۱۳۷۸)، بررسی روان‌شناختی تحول ارزش‌ها، ترجمه: سید حسن سیدی، مشهد: به نشر وابسته به آستان قدس رضوی.
- ۱۴- دشتی، محمد. (۱۳۷۲)، مسئولیت تربیت، قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام.
- ۱۵- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۳۷)، لغت‌نامه، ج ۱، ماده «ارزش»، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۶- ربانی گلپایگانی، علی. (۱۳۸۱)، «پدیدارشناسی آدموند هوسرل و هرمنوتیک»، کلام اسلامی، ش ۴۲.
- ۱۷- رستمی نسب، عباسعلی؛ شبستری نژاد راوری، زهرا. (۱۳۹۴)، «نقش خانواده در انتقال ارزش‌ها از منظر قرآن کریم»، مجله معرفت، ش ۲۰۸.
- ۱۸- رضایی، محمد؛ افشار، سمیه. (۱۳۸۹)، «بازنمایی جنسیتی سریال‌های تلویزیونی (مرگ تدریجی یک رؤیا - ترانه مادری)»، زن در فرهنگ و هنر، ش ۴.

- ۱۹- سیری در اندیشه‌های دفاعی امام خمینی ره (مجموع مقالات)، ج ۲، تهران: انتشارات نیروهای مسلح، ۱۳۷۷.
- ۲۰- شاکر، محمدکاظم؛ حاجی پور، حسین. (۱۳۹۱)، «باز تعریف اقناع اندیشه مخاطب از منظر قرآن کریم»، پژوهشنامه قرآن کریم، ش ۱۵.
- ۲۱- طائب، حمیده. (۱۳۹۶)، «محور مدرن/فمینیستی و اسلامی مفهوم مادری با توجه به سه رویکرد سنت»، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۴۸.
- ۲۲- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۲۳- _____ (۱۳۸۷)، زن در قرآن، با تصحیح و تحقیق: محمد مرادی، قم: مرکز نشر هاجر.
- ۲۴- طبرسی، راضیه. (۱۳۹۱)، «در مسیر تربیت»، نامه جامعه، ش ۹۲.
- ۲۵- عابدی، حیدرعلی. (۱۳۸۵)، «تحقیقات کیفی»، روش‌شناسی علوم انسانی، ش ۴۷.
- ۲۶- عرفان منش، ایمان. (۱۳۹۲)، بازنمایی الگوهای خانواده و مناقشات گفتمانی آن‌ها در ایران، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۷- عمید، حسن. (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی، تهران: راه رشد.
- ۲۸- فرهمند، مریم. (۱۳۸۵)، «آرامش در خانه»، مطالعات راهبردی زنان، ش ۴۳.
- ۲۹- قرائتی، محسن. (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

- ۳۰- مصباح، مجتبی؛ محمدی، عبدالله. (۱۳۹۴)، معرفت‌شناسی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
- ۳۱- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۱)، فلسفه اخلاق، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ره.
- ۳۲- مصطفوی، میرزا حسن. (۱۳۸۰)، تفسیر روشن، ج ۳، تهران: مرکز نشر کتاب.
- ۳۳- مظفر، محمدرضا. (۱۳۷۷)، المنطق، ج ۱، قم: اسماعیلیان.
- ۳۴- معلمی، حسن. (۱۳۸۴)، فلسفه اخلاق، قم: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
- ۳۵- میرزایی، خلیل. (۱۳۹۳)، فرهنگ توصیفی علوم اجتماعی، تهران: فوژان.
- ۳۶- نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها. (۱۳۸۶)، نکته‌های ناب (گزیده بیانات رهبر انقلاب در جمع دانشجویان و دانشگاهیان).
- ۳۷- نیک گوهر، عبدالحسین. (۱۳۶۹)، مبانی جامعه‌شناسی، [بی‌جا]: رایزن.
- ۳۸- واعظی، احمد. (۱۳۸۰)، درآمدی بر هرمنوتیک، تهران: پژوهشکده فرهنگ و اندیشه معاصر.
- ۳۹- یزدی، اقدس. (۱۳۸۸)، «اخلاق مادری در اسلام و فمینیسم»، پژوهش‌های فلسفی - کلامی، ش ۳.